

بحث در موضوعات حقوقی

در لقطه

در آن جاری است -

اما اگر شخص شکاری را گرفتار دامی دید در حالتیکه مشرف بتلف است و آنرا ذبح کرده شکار متعلق بکسی است که دام را گسترده -

هر گاه کفش یا کلاه و یا لباس شخصی را در حمام یا جای دیگر برده و بجای آن عوضی گذاشته باشند شخص صاحب کلاه و غیره مالک عوض نخواهد شد زیرا بین برنده و این شخص مبادله حاصل نشده و هر مالی بملکیت صاحب اولش باقی است پس حکم لقطه در آن جاری خواهد بود مگر اینکه بداند که برنده کفش و کلاه و امثال آن قصد معاوضه داشته مثل اینکه آنچه را که جا گذاشته از آنچه برده است پست تر باشد و تفاوت بین آنها طوری است که نشود آنرا حمل بر اشتباه نمود و معلوم باشد که اقدام باین امر از روی عمد بوده بدیهی است در اینصورت احتیاجی بتعریف نیست زیرا مالک آنرا از روی قصد جا گذاشته و از آن اعراض نموده است در حالتیکه تعریف برای این است که صاحب مال پیدا شود و مال خود را اخذ کند و با فرض اینکه صاحب مال باین امر التفات داشته و راضی است باینکه جا مانده عوض چیزی باشد که آنرا برده تعریف بیفایده خواهد بود و برای این شخص استعمال آن مباح

امام جعفر صادق بطوریکه نقل شده حکم کشتی را که در دریا غرق شده باشد باینطور بیان فرموده :

آنچه را که صاحب کشتی از دریا بیرون آورده خود اولی و احق بان میباشد و آنچه را که دریا بیرون انداخته باشد متعلق بکسی است که آنرا پیدا کرده -
اگر شخص آهومی را شکار کرد و در آن نشانه باشد مانند طوق و امثال آن که دلالت کند قبلا در تحت استیلاء و تصرف دیگری بوده حکم لقطه بر آن جاری است زیرا وجود علامت در آن دلیل است بر اینکه ملک دیگری است -

هر گاه شخص توری در دریا و یا رود خانه افکند و ماهی در آن افتاد و لکن قوت آب و یا ماهی آنرا از دستش ربود و دیگری آنرا با تور شکار کرد در اینصورت اگر چه ماهی در تور اولی افتاده و لکن متعلق بشخص دوم است زیرا اولی بر آن استیلاء نیافته و بحالت اباحه باقی مانده است ولی تور مال او است و باید با او برگردد -

و همچنین است اگر شخص دامی نصب کرده و شکاری در آن افتاده و شکار بادام فرار کند و دیگری آنرا بگیرد و شکار بدومی متعلق خواهد داشت و دام را باید بصاحبش رد کند و اگر صاحبش را شناسد حکم لقطه

و عمل برنده ظاهر در قصد معاوضه است پس اگر این شخص به آن رضایت دهد حصول معاوضه و جواز تصرف خالی از اشکال بوده و نه فقط متضمن نفع او است و از زحمت نگاه داری آن خلاص میشود بلکه برای برنده نیز در صورتیکه بقصد سوء و سرقت این کار را کرده باشد تخفیفی در مجازات و تیمات عمل او حاصل خواهد شد - بملاوه هر کس بدیگری حقی داشته باشد و یا مالی را از او غصب کرده و نتواند حق خود را از طرق قانونی استیفاء کند تا جائیکه مستلزم هرج و مرج و اختلال نظام عمومی نشود میتواند من باب تقاص از مال مدیون یا عاصب استیفاء حق نماید -

پس اگر از قرائن و امارات معلوم شود که امر بر برنده مشتبه شده و آنرا بتصور اینکه مال خودش میباشد برده و از مال خود سرف نظر ننموده مثل اینکه جا مانده بهتر و یا مساوی بانچه برده شده است باشد باید در مقام تعریف آن برآمد زیرا بر این تقدیر صاحبش از آن اعراض نکرده و اگر بان آگاه شود آنرا که اشتباه برده با گرفتن مال خود رد خواهد نمود -

هر گاه نزد شخصی مالی امانت بوده و صاحبش دنبال آن نیامده و کسیکه مال نزد او امانت است صاحب مال را نشناسد مشکل است بتوان در آن حکم لقطه را جاری نمود و با یأس از آمدن صاحبش باید امر آنرا بحاکم و یا قائم مقام او هر کس باشد مراجعه داد

(در حیوان ضاله)

هر حیوان مملوکی که گم شده باشد و در تصرف کسی نباشد آنرا ضاله گویند و میتوان آنرا التقاط نمود بشرط اینکه از آبادی و چراگاه دور باشد و نتواند در مقابل حیوانات درنده ولو بفرار هم شده از خود دفاع نماید اما اگر از جهت بزرگی جثه یا سرعت در دویدن و یا پریدن بتواند از خود دفاع کند ضاله محسوب نبوده

و التقاط و یا تعرض بان جائز نیست چنانکه ماده ۱۷۰ قانون مدنی مقرر داشته :

(حیوان گم شده (ضاله) عبارت از هر حیوان مملوکی است که بدون تصرف یافت شود ولی اگر حیوان مزبور در چراگاه یا نزدیک آبی یافت شود یا متمکن از دفاع خود در مقابل حیوانات درنده باشد ضاله محسوب نمیگردد) -

این تعریف متخذ از تهریفی است که محقق در شرایح بهارت ذیل ذکر نموده :

قہو کل حیوان مملوک ضائع اخذ و لاید علیہ و یسمی ضالۃ -

بر حسب تعریف مزبور در صدق عنوان ضاله که تابع احکام مخصوصی است مملوکیت معتبر است بنابراین حیوانیکه قابل علاقه ملکیت نباشد و از جهت نداشتن منفعت عقلائی یا منع قانونی نتواند مملوک واقع شود ضاله مصطلح قانونی بر آن صادق نیست ولو اینکه فرض شود که قبلا در تحت استیلاء و تصرف دیگری بوده و آنرا گم کرده باشد -

و همچنین حیوانیکه مملوک بوده و مالکی داشته است و مالک آنرا رها کرده و از آن اعراض نموده باشد چون عنوان مملوکیت بواسطه اعراض از آن زائل گشته است آنهم جزء ضاله محسوب نیست -

علت اینکه در تعریف مذکور بمملوکیت تنها اکتفاء نشده و قید (بدون تصرف) بر آن اضافه شده است احتراز از صورتی است که حیوان مملوک شخصی را دیگری یافته باشد و در حالتیکه تحت استیلاء و تصرف او است شخص دیگری آنرا از او بگیرد زیرا در اینصورت اگر چه حیوان را صاحبش گم کرده و لکن صدق ضاله بر آن باعتبار این است که شخص اول آنرا التقاط نموده اما نسبت بشخص ثانی عنوان مزبور بر آن صادق نیست زیرا هر چند مملوکی را اخذ نموده و لکن چون بدون تصرف نبوده بلکه در تصرف اولی بوده است عنوان ضاله از این حیث بر آن صدق نمیکند و احکام خاصه باین

موضوع نسبت باین شخص در آن جاری نیست .
درعین حال بین تعریف محقق و تعریفیکه از مال گم شده در قانون مدنی شده فرقی موجود است در تعریف شرایع چون تعبیر باخذ شده برای احتراز از صورت مزبور ذکر قید نبودن در تصرف دیگری ضرورت داشته است اما در قانون مدنی چون (یافت شود) تعبیر گردیده و این عبارت شامل صورت مفروض فوق نیست و وقتی شخص حیوانی را از کسیکه آنها التقاط نموده بگیرد نمیگوید این شخص آن را یافته است لذا احتیاجی بذکر (قید بدون تصرف) نبوده و زائد بنظر می آید .

و ممکن است غرض از قید مزبور احتراز از صورتی است که مالک خود حیوان را در چراگاه یا نزدیک آبادی رها کرده و یا باطمینان متمکن بودن حیوان از دفاع خود آنها در اماکن دور دست بدون سرپرست گذاشته باشد زیرا در هر يك از این صور حیوان در تحت استیلاء و تصرف مالک است و باین جهت ضاله بر آن صادق نیست -
و مؤید این احتمال آنست که خروج صور مزبور

از عنوان ضاله دنبال تعریف بطور تفریع ذکر شده است نهایت آنکه بجای ذکرات تفریع بکلمه استدرک (ولی) تعبیر گردیده بهرحال مقنن عدم صدق ضاله را بر صور مزبور مترتب بر تعریف ضاله نموده پس اگر تعریف را مانع از دخول آن صور قرار ندهیم اولاً تعریف مانع از اغیار نبوده و از این حیث ناقص است و ثانیاً ذکر آن دنبال تعریف بطور تفریع یا استدرک در غیر محلی خواهد بود پس برای اینکه جهت مانعیت تعریف حفظ شود باید غرض از ذکر (بدون تصرف) را احتراز

از سوری که معرف (ضاله) بر آنها صادق نبوده قرار داد و دلیل بر آن این است که مقنن در تلو تعریف امور مزبوره را مخصوص بذکر نموده و تصریح کرده است باینکه حیوان در هر يك از فروض سه گانه که جامع مشترك بین آنها وجود تصرف است ضاله محسوب نمیگردد

بهرحال اگر شخص حیوان را در یکی از موارد مذکوره در ماده فوق که قانون آنرا ضاله محسوب نداشته است گرفت چون بدون اجازه قانون و اجازه صاحب مال در آن تصرف کرده متدنی محسوب و ضامن است و باید آنها بصاحبش در صورتیکه او را بشناسد رد کند و اگر صاحبش را نمیشناسد باید بحاکم یا قائم مقام حاکم تسلیم نماید حتی اگر آنها بمحلی که بوده است برگرداند بر امانت ذمه برای او حاصل نشده و از ضمان بیرون نخواهد رفت بالجملة در جائیکه گرفتن حیوان ضاله جااز نیست اگر کسی آنها بگیرد غاصب و ضامن است و مشمول عموم علی الید ما اخذت حتی تودی میباشد بنابراین برسر دادن و یا برگرداندن آن بمحلی که آن را از آنجا گرفته است برئی الذمه نمیشود و تا وقتی که آنها بصاحبش یا حاکم یا قائم مقام رد نکرده باید مصارف آنها متحمل شود و حق مطالبه آنها از مالک ندارد چنانکه ماده ۱۷۲ قانون مدنی مقرر داشته (اگر حیوان گم شده در نقاط مسکونه یافت شود و پیدا کننده با دست رسی بحاکم یا قائم مقام آنها تسلیم نکند حق مطالبه مخارج نگاهداری آنها از مالک نخواهد داشت -

اما در جائیکه گرفتن حیوان ضاله جائز باشد گرفتن و نگاهداری آن بقدر ضرورت در غیر صورت تعدی و تفریط موجب ضمان نیست و باید گیرنده آنها بمالک رد کند و در صورتیکه نداند مالک آن چه کسی است

میبایست بحاکم و یا قائم مقام او امر آنرا مراجعه و او چنانکه ماده ۱۷۱ مقرر داشته (هر کس حیوان ضاله پیدا نماید باید آنرا بمالك آن رد کند و اگر مالك را نشناسد باید بحاکم یا قائم مقام او تسلیم کند و الاضامن خواهد بود اگر چه آن را بعد از تصرفها کرده باشد)

پس اگر شخص حیوانی را که صاحبش آنرا گم کرده در جایی بیاید که اخذ آن ممنوع است مثل اینکه آنرا در عمران و یا از میان آب و گیاه اخذ کرده در حالتیکه حیوان در معرض تلف نبوده است باید بگیرنده بان اتفاق نماید زیرا اگر چه از اول حق اخذ آنرا نداشته است و لکن بعد از اخذ مکلف بنگاهداری آن برای رساندن بصاحبش میباشد و انجام این تکلیف موقوف است بانفاق و در اینصورت حق ندارد آنچه را که برای ننگاهداری آن مصرف نموده از صاحبش مطالبه نماید هر چند باین قصد مصرف کرده باشد زیرا اقدام باین امر مستند باذن مالك نبوده و ید او ید عدوانی محسوب است.

و اگر ایصال آن بمالك و حاکم برای اخذ مزبور میسر نبوده و دسترسی بهیچ کدام از آنها نداشته باشد آیا با عدم قصد تبرع مسحق رجوع بمالك است یا نه؟ نظر باینکه رجوع بمالك مقدور نیست و از طرفی الزام قانونی بانفاق دارد و اجازه قانون بمنزله اجازه مالك است باین لحاظ میتوان باو حق داد که مصارفیکه برای نگاه داری حیوان نموده از مالك مطالبه نماید و ماده ۱۷۲ که سلب حق مطالبه هزینه ننگاهداری حیوان را از مالك در جائیکه شخص آنرا در نقاط مسکونه یافته باشد اختصاص بصورتی داده که دست رسی بحاکم یا قائم مقام آن داشته باشد مفهوم مخالف آن این است که با دست رسی نداشتن بحاکم یا قائم مقام او حق مطالبه خواهد داشت - و این حکم متخذ است از فنوائیکه محقق در شرایط داده و شهید در مسالك بر آن ایراد کرده که تکلیف بانفاق رافع عنوان عدوانی بودن تصرف نبوده و با فرض عدوانیت تصرف نیابستی برای متصرف در مقابل مصارفیکه برای ننگاهداری حیوان که احداث آن مستند بخود او بوده و

بصورت غیر مشروعی واقع گردیده حقی قائل شد - شهید در دهرس نداشتن حق مطالبه مصارف را بشیخ طوسی نسبت داده و خودش ساکت است و از سکوتش بر میاید که در مسئله متوقف میباشد و حق اینست که در صورت مفروضه حق مطالبه از مالك را ندارد زیرا درست است که نظر بوجوب حفظ حیوان و توقف آن بر انفاق اخذ ملزم بانفاق است و لکن وجود این تکلیف مستلزم اشتغال ذمه مالك نخواهد بود زیرا مقتضای اصل برائت ذمه مالك است بهلاوه این شخص خود سبب اضرار خویش شده و بدون اجازه قانون آنرا اخذ نموده است و قبح تکلیف خارج از حد طاقت شامل چنین جائی که شخص خود باعث آن شده باشد نیست و علاوه فرق است بین تکالیف اصلی و تکالیفی که من باب مقدمه و به تبع تکلیف دیگر باشد - مطلوبات

تبعی غالباً منشأ آثار و مناط احکام واقع نمیشوند .
هر گاه برای ضاله در مواردیکه اخذ آن جایز است منفعتی باشد از قبیل سواری و بار کشی و استفاده از شیر حیوان میشود در مقابل انفاق از آن منتفع گردید و در کیفیت احتساب منفعت بجای نفقه دو قول است : شیخ درنهایه میگوید منافعی را که واجد از آن استفاده مینماید بازاء انفاق او است و قول دیگر مبنی است بر اینکه مانند سایر حقوق بمقداریکه نسبت بیکدیگر ذیحق هستند بعنوان تقاضا احتساب میشود و آنچه زائد است بصاحبش رد میشود و این قول مختار محقق است در شرایط و قانون مدنی ایران از آن پیروی کرده و در ماده ۱۷۲ مقرر داشته :
(اگر حیوان گم شده در نقاط مسکونه یافت شود و پیدا کننده با دست رسی بحاکم یا قائم مقام او آنرا تسلیم نکند حق مطالبه مخارج ننگاهداری آنرا از مالك نخواهد داشت - هر گاه حیوان ضاله در نقاط غیر مسکونه یافت شود پیدا کننده میتواند مخارج ننگاهداری آنرا از مالك مطالبه کند مشروط بر اینکه از حیوان انتفاعی نبرده باشد والا مخارج ننگاهداری بامنافع حاصله احتساب و پیدا کننده یا مالك فقط برای بقیه حق رجوع بیکدیگر را خواهد داشت)
محمد بروجرودی